

سالانه ۵ درصد به آمار اقدام به خودکشی اضافه می‌شود | دانشگاه و روشنفکران محلی از اعراب ندارند | طبقه متوسط
تبخیر و لاغرو طبقه فقرا فربه شده است.

احمد بخارایی، جامعه‌شناس و ستاد دانشگاه تهران؛



احمد بخارایی، جامعه‌شناس، مدیر گروه مسائل و آسیب‌های اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران و استاد دانشگاه تهران گفت:

در جامعه ما مسایلی مانند اجاره کردن پشت‌بام‌ها، مغازه‌ها، اجاره یک خانه توسط دو خانواده، مراجعه خانوادگی به مراکز افراد بی‌سرپناه و اتوبوس‌خوابی و جرائم و هنجارشکنی‌ها یک رابطه معنادار و به هم پیوسته‌ای دارند.

به گزارش اسپادانا خبر، او در گفت و گو با خبرآنلاین ادامه داد:

در یک استان یعنی استان البرز حدود ۶۰ درصد ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. در طلاق هم سوبه‌های فقر دیده می‌شود. وقتی بحث فقر مطرح می‌شود یعنی قبل از آن بیکاری وجود دارد اما مغزهای خشک مدیریتی و سیاست‌گذاری در سطح کلان که تا نوک بینی خودشان را هم به سختی می‌بینند وضعیت را در حلقه باطل و معیوب قرار داده‌اند. آن‌ها مثلاً می‌خواهند شغل ایجاد کنند بدتر می‌زنند آب را نابود می‌کنند. در یک حلقه معیوب به نام اشتغال‌زایی با پشت‌پرده‌ی تبعیض و وجود فرصت‌های ویژه برای افراد خاص نه تنها به طور ریشه‌ای مشکل بیکاری را حل نکردند بلکه به افزایش مهاجرت درونی هم دامن زدند. مهاجرت‌ها علاوه بر آوارگی و سردرگمی، شغل‌های کاذب را به دنبال دارد. شما در مترو و قطارها شاهد دستفروشان هستید، در هر قطاری، زن، مرد، کودک، پیر، مشغول دستفروشی هستند و با چند کالای دم‌دستی مثل مسواک و جوراب و خودکار و غیره خسته و درمانده و نالان التماس می‌کنند تا مسافران کالایی بخرند و واقعا چقدر درآمد دارند؟ این‌ها فاجعه است. همه این‌ها مانند دانه‌های تسبیح هستند که با رشته فقر بهم متصل شده‌اند. حتی داستان خشک شدن تالاب گاو خونی یا از دست دادن ۸ میلیون هکتار از رویش‌گاه‌های جنگلی همه ناشی از همان سوءمدیریت است که می‌خواهد یک صنعت را برای خودی‌ها و باندهای مافیایی تضمین و سودآور کند اما با انتقال آب یا با اعطای مجوزها، منابع آبی و جنگلی را نابود می‌کنند. این فجایع به هم پیوسته و در هم تنیده‌اند و ریشه در تبعیضات نهادینه شده در ساختار حقوقی و در قانون اساسی دارند که بر اساس آن عده‌ای ارجح شمرده شدند و باب تفسیر گشوده شده و نظام کاستی و طبقه‌بندی شده نهادینه شده است. امروز خانواده‌ها دارند فقیرتر می‌شوند چراکه تورم سیر صعودی دارد

وی ادامه داد:

مسئله مهاجرت به خارج هم تابع همین شرایط سخت اقتصادی است. میلیون‌ها نفر از مردم ایران علاقه‌مند به مهاجرت و رفتن هستند؛ رفتنی که معلوم نیست چه سرنوشتی برای آن‌ها دارد یعنی به قدری فشار جلوی زندگی آن‌ها هست که مجبور می‌شوند به کوه و دشت و دریا بزنند تا بروند حتی امیدی به زنده رسیدن ندارند اما باز می‌روند. فقر به نرخ رشد جمعیت هم مربوط است. در سال ۱۴۰۰ نرخ رشد جمعیت ۰٫۶ درصد شد که این کاهش نرخ در پنجاه سال اخیر بی‌سابقه بوده است. این در شرایطی هست که ما در ایران همچنان فرهنگ خانواده و مهرورزی و فرزند دوستی را داریم. شما فکر می‌کنید چرا در این کشور این همه فرزندآوری کم می‌شود، منهای رشد فرهنگ و آگاهی نسبت به سخت بودن تربیت فرزند، بخش زیادی مربوط به فشارهای اقتصادی است. این روزها فریاد معلمان مطالبه‌گر هم شنیده می‌شود که یک علتش همین موضوع فقر است چرا که بیش از ۸۰ درصد معلمان زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ خط فقری که برای یک خانواده ۴ نفره در شهرهای بزرگ ماهیانه

حدود ۱۲ میلیون تومان است البته این اعتراضات علت دیگری هم دارد که عبارت از پامال شدن منزلت اجتماعی و شخصیت معلمان است. اعتراضات گارگران هم که مشهود است بنابراین همه این‌ها حلقه‌های بهم پیوسته هستند، این نیست که جامعه مدنظر شما گروه خاصی باشند، این‌ها گروه نیازمندان، گروه فقرا، گروه آدم‌های زیر خط فقر هستند حتی از گروه فراتر رفته‌اند و تبدیل به طبقه شده‌اند، طبقه فقرا فریه شده است به همین دلیل است که طبقه متوسط، یعنی دهک‌های چهار تا هفت در ایران تخییر و لاغر شده و در دهک‌های یک، دو و سه ته‌نشین شده‌اند. هرچه خط فقر افزایش پیدا کند و درآمد آدم‌ها ثابت باشد افراد بیشتری به زیر خط فقر می‌روند بنابراین دیگر طبقه متوسط معنا ندارد، یک زمانی می‌گفتند اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها جزو طبقه متوسط هستند اما الان این وضعیت کمرنگ شده است. الان دانشگاه و روشنفکران ما چه محلی از اعراب دارند؟ از هر دو زاویه اقتصادی و اجتماعی شما دیگر آن‌طور که باید و شاید رنگ و بویی از طبقه متوسط نمی‌بینید بلکه با یک طبقه لاغر و نحیف مواجه هستید نمونه‌اش همین دانشگاهیان یا اهالی هنر و سینما و رسانه. واقعا چقدر خلاقیت و کنش اجتماعی و نوآوری و پیش‌قراولی در صحنه‌های مختلف فکری و اجتماعی و هنری از اینها مشاهده می‌کنید؟ یک نوع خمودگی و حالت انتظار در این طبقه مشاهده می‌شود حال آن‌که یک جامعه به اعتبار اعضای طبقه متوسطش زنده و پویا است.

او گفت:

حذف طبقه متوسط دو علت سیاسی و اجتماعی دارد:

علت اجتماعی آن نابرابری و تبعیض نهادینه شده است. در قانون اساسی یک گروه ارجح هستند. این ارجحیت گروه مشخص خودش را در سازمان‌ها و هسته‌های گزینش بازتولید می‌کند طوری که هسته‌های گزینش، تخصص‌ستیز شده‌اند و گاه افرادی جذب می‌شوند که بهتر بتوانند فیلم بازی کنند و اهل تظاهر باشند. این حالت اگر گریبان یک جامعه را بگیرد مانند تریق خون ناپاک به بیکره جامعه است که سایر اجزا را به شدت آلوده می‌کند. این علت اجتماعی در شکل اقتصادی بازتولید شده و منجر به ضعف اقتصادی و فقر در میان افراد طبقه متوسط شده است. در بخش سیاسی هم یک ساختاری وجود دارد که آزادی‌ها را محدود می‌کند. همین طرح موسوم به صیانت از فضای مجازی را در نظر بگیرید. علت وجودی چنین طرحی همان مسئله تحدید آزادی و وجود تبعیض است و خروجی چنین وضعیتی همان پدیده تخییر شدن طبقه متوسط است. مگر می‌شود در یک جامعه یک تفسیر متصلب از یک ایدئولوژی با بدنه قدرت و نظام سیاسی پیوند بخورد اما زمینه‌های رشد برای اعضای جامعه هم فراهم باشد؟ آزادی در چنین شرایطی امکان بروز و ظهور ندارد و شرط لازم برای تحقق و تقویت سرمایه اجتماعی وجود آزادی و نبود تبعیض است. در این وضعیت شما دیگر مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی را نمی‌بینید. طی ۳ سال گذشته دو انتخابات در مجلس و ریاست‌جمهوری داشتیم. برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی میزان مشارکت‌ها رفت زیر ۵۰ درصد. طبق آمار رسمی در انتخابات مجلس حدود ۴۲ درصد و در انتخابات ریاست جمهوری حدود ۴۷ درصد مشارکت بود، حالا بگذریم که در پایتخت ۲۹ نماینده از ۳۰ نماینده حدود ۷ درصد رأی واجدین اعطای رأی را به خود اختصاص دادند و این یک پدیده ویژه و فاجعه بار است. درخصوص مشارکت اجتماعی می‌شود به فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) اشاره کرد. الان چه تعداد NGO فعال داریم؟ به این سازمان‌ها به چشم امنیتی نگاه می‌شود مثل آن اتفاقاتی که برای جمعیت امام علی(ع) افتاد که منحلش کردند. اعتماد اجتماعی مثل چسب اجتماعی است که اعضای جامعه را به هم متصل و هم‌دل می‌کند اما در ایران به شدت ضعیف است. اگر اعتماد اجتماعی وجود می‌داشت که ما شاهد این همه خودکشی نبودیم. از سال ۱۳۸۹ تا الان هر سال ۵ درصد به آمار اقدام به خودکشی اضافه شده است یعنی طی ۱۱ سال حدود ۶۰ درصد به آمار اقدام به خودکشی‌ها اضافه شده و سیر صعودی زیادی داشته است. جامعه‌ای که اعضایش مجبور می‌شوند برای ادامه حیات یا برای کسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی هم‌گون با آنچه در جریان است دست به ارتکاب کارهای خلافی بزنند خودشان قربانی هستند اما از سوی قانون مجرم شناخته می‌شوند که در اصل بی‌گناهند. این هم نشانه دیگری از گسست اجتماعی است. «امید اجتماعی» خمیرمایه همه چیز هست. کسی که امید داشته باشد وارد میدان مشارکت می‌شود، توجه امید هم به سمت آینده است، یعنی فرد بتواند فردای بهتری ببیند، خودش را قانع کند از امروز یک گام جلوتر است. آیا آدمی که امید نداشته باشد می‌تواند به دیگران اعتماد و مشارکت کند؟ معلوم است منزوی می‌شود. مشخص است مانند جامعه ما با افزایش استفاده از قرص‌های ضد افسردگی مواجه می‌شود، معلوم است آن جامعه درگیر اعتیاد می‌شود، اعتیاد جلوه‌ی «از خودبیگانگی اجتماعی» و جدا شدن از جامعه است و الان نبود امید اجتماعی احساس می‌شود. در تحقیقی با رویکرد تفسیری در دانشگاه اصفهان با رویکرد به هفت مولفه اصلی در امید اجتماعی رسیدند. این هفت مولفه عبارت بودند از:

هدف‌گذاری، آرزومندی، مسئولیت‌پذیری، میل به پیشرفت، تلاش‌گری، برنامه‌ریزی و میل به تغییر. در محاسبات آماری متوجه شدند مولفه هفتم یعنی «میل به تغییر» تمام مولفه‌ها را پوشش می‌دهد و بیشترین ضریب اثرگذاری را دارد. این یعنی این که مهمترین و اصلی‌ترین مولفه «امید اجتماعی» میل به تغییر است یعنی موافق نبودن با در جا زدن جامعه در فرهنگ، در شاخص‌های اجتماعی، در روند تولید و توزیع در عرصه اقتصاد و در عالم سیاست و ذهن نامعطف و متصلب سیاست‌گذاران. اگر «میل به تغییر» در یک انسان، پاسخ داده نشود دل‌سپردی، نومیدی و انزوا شدت می‌گیرد. مولفه اصلی امید اجتماعی «میل به تغییر» است که در جامعه ما پاسخ داده نمی‌شود و با آن مقابله می‌شود چرا که سرکوب‌گری در ابعاد گوناگون جریان دارد. در هر جامعه‌ای که «امید اجتماعی» کم رنگ شود در آن جامعه «اعتماد اجتماعی» لاغر می‌شود و نهایتاً «سرمایه اجتماعی» رو به آن چنان نزولی خواهد گذاشت که انحطاط و فروپاشی اجتماعی را به دنبال دارد و قابل ترمیم نخواهد بود مانند یک بدنی که با غدد وخیم سرطانی دست و پنجه نرم می‌کند.

گفت و گو از مظاهر گودرزی

-
- [1] برچسب‌ها: فقر
[2] آسیب‌های اجتماعی
[3] دانشگاه
[4] اعتراض
-